

نقش نظام سرمایه‌داری در ایجاد بحران‌های اقتصادی و مالی

دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی

منوچهر مصطفی‌پور^۱

تاریخچه بحران‌های نظام سرمایه‌داری

در تاریخ اقتصادی دنیا بحران‌های متعددی پدید آمده است که تقریباً علایم و نشانه‌های مشابهی داشته‌اند. نخستین بحران بزرگ اقتصادی در تاریخ سرمایه‌داری در ۱۸۲۵ میلادی در انگلستان پدید آمد و سپس هر ۸-۱۲ سال یکبار تکرار شد و هر کشوری را که وارد مرحله سرمایه‌داری شده بود فرا گرفت.

طی ۳۰ سال گذشته بحران‌های متعددی در اقتصادهای مبتنی بر نظام بازار رخ داده که بحران بدهی کشورهای آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۲، بحران مالی مکزیک معروف به بحران تکیلا^۲ در سال ۱۹۹۴، دام نقدینگی ژاپن طی دهه ۱۹۹۰، بحران شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ و بحران آرژانتین در سال ۲۰۰۲ را می‌توان نام برد (معاونت پژوهشی دانشکده معارف و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸).

همان‌طور که ذکر شد کشورهای مبتنی بر نظام بازار با بحران‌های متعددی به‌ویژه در چند دهه اخیر روبرو شده‌اند، اما رکودهایی که طی یک قرن گذشته در آمریکا - به عنوان نماد نظام سرمایه‌داری در عصر حاضر - رخ داده بیش از رکودهای سایر کشورها جهان را تحت تأثیر قرار داده است. در برخی مواقع مانند رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ و تورم شدید دهه ۱۹۷۰ آثار این دوره‌ها بسیار

۱. رئیس گروه اقتصاد جهانی.

mmostafap@yahoo.com

2. Tequila Crisis

شدید و در دوره‌های دیگر تأثیر آنها به سرعت از بین رفته است. به طور میانگین این دوره‌ها چهار سال به طول انجامیده‌اند. به عبارت دیگر، تقریباً هر چهار سال یک بار اقتصاد آمریکا پس از یک دوره رکود یک دوره توسعه و شکوفایی را تجربه کرده است (معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۷).

بزرگترین رکود اقتصادی دنیا به اوایل قرن ۲۰ بر می‌گردد که به ویران‌کننده‌ترین جنگ‌های دنیا یعنی جنگ جهانی دوم منجر گردید. این رکود بزرگ که از اقتصاد آمریکا آغاز گردید طولانی‌ترین و بدترین رکود اقتصادی در تاریخ شکل‌گیری دنیای صنعتی مدرن بوده است و از اواخر سال ۱۹۲۹ تا اوایل دهه ۱۹۴۰ در آمریکا ادامه یافت. بزرگی و وسعت این رکود به اندازه‌ای بود که نه تنها اقتصاد آمریکا بلکه اقتصاد دیگر کشورهای جهان را نیز تحت تأثیر قرار داد. رکود بزرگ اقتصاد آمریکا با کاهش ناگهانی تولید و فروش کالاهای مختلف در بازار آمریکا آغاز شد و به دنبال خود صعود چشمگیر و بی‌سابقه بیکاری را به همراه آورد. در بحران ۱۹۲۹ حجم تولید در جهان به ۴۴ درصد حجم تولید قبل از بحران کاهش یافت (کمتر از نصف میزان قبل از بحران شد) و بزرگترین کشورهای سرمایه‌داری از لحاظ حجم تولید به سطح ۲۰ یا ۳۰ سال پیش از بحران برگشتند. چهل میلیون نفر کارگر از کار بیکار شده به خیابان‌ها ریخته شدند، هزاران مؤسسه ورشکست گردید. در این دوران بانک‌ها و شرکت‌های کوچک و بزرگ تجاری مجبور به تعطیل کردن کارهای خود شدند و اغلب مردم به دلیل از دست دادن شغل و ناتوانی در بازپرداخت اقساط خانه‌هایی که خریداری کرده بودند برای امرار معاش به خیریه‌ها وابسته شدند. زبانی که از این بحران به اقتصاد جهانی وارد شد بیش از خسارات ناشی از جنگ اول جهانی بود.

پیامدهای اقتصادی و سیاسی رکود بزرگ بسیار گسترده و ناگوار بود. رکود بزرگ در دهه ۱۹۳۰ میلادی تقریباً تمام کشورها را دربر گرفت و فعالیت‌های اقتصادی را در کل جهان کاهش داد. تجارت بین‌المللی به سرعت کاهش یافت. درآمدهای مالیاتی دولت‌ها و سود و درآمدهای اشخاص نیز به شدت کم شد. هم کشورهای صادرکننده مواد خام و هم کشورهای صنعتی تحت تأثیر این بحران قرار گرفتند. دولت‌ها مخارج خود را کاهش دادند و این امر نیز به کاهش تقاضا دامن زد.^۱ لبه تیز بحران و نیروی ویرانگر آن بیش از همه متوجه کارگران و تولیدکنندگان و سرمایه‌داران کوچک بود.

1. <http://www.buzzle.com/articles/effects-of-the-great-depression.html>

از لحاظ سیاسی، شرایط بد اقتصادی موجب به قدرت رسیدن دولت‌های فاشیستی و جنگ طلب در آلمان، ایتالیا و ژاپن شد. آنها تلاش می‌کردند با فرافکنی مشکلات خود به بیرون از کشور فشار افکار عمومی را از خود دور کنند و همین امر سرانجام به جنگ جهانی دوم منجر گردید. به عنوان مثال، کشور آلمان از بدهی زیاد ناشی از جنگ جهانی اول در رنج بود و همین امر زمینه به قدرت رسیدن هیتلر را فراهم آورد. ژاپن به چین حمله کرد تا با توسعه معادن و صنایع منچوری وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشد. مداخلات دولت در کشورهای آمریکا و انگلستان در نظام اقتصادی جهت تعبیه سیستم‌های رفاهی نیز به تشکیل دولت رفاه انجامید.

در سال ۱۹۳۳ که فرانکلین روزولت به ریاست جمهوری آمریکا رسید، قول داد دولت با اقدام جدید برای کاهش بیکاری مداخله خواهد نمود. برای محدود شدن تولید و افزایش قیمت محصولات کشاورزی و صنعتی سیاست‌های حمایت از این دو بخش اعمال گردید.

اتخاذ سیاست‌هایی از سوی دولت در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری در کنار شرایط خاص حاکم بر عرصه بین‌الملل به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم از جمله عوامل مهمی بودند که آمریکا را در برون رفت از این رکود یاری دادند (معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۷).

با آغاز جنگ جهانی دوم و افزایش تولید تجهیزات نظامی در کشورهای مختلف رکود بزرگ به پایان رسید. افزایش تولید محصولات نظامی به عنوان بخش پیشرو اقتصادهای صنعتی موجب رونق دیگر بخش‌ها، ایجاد اشتغال و بازگشت حجم وسیعی از پول به چرخه اقتصاد شد (معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۷).

طی سال‌های (۲۰۰۱-۱۹۴۸) اقتصاد آمریکا ۹ دوره رکودی را تجربه کرده‌است که آخرین آن مربوط به ترکیدن حباب سهام شرکت‌های دات کام در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ بود. تا قبل از سال ۱۹۸۲، دوره‌های رشد به طور میانگین ۴۵ ماه و دوره‌های کساد و رکود به طور میانگین ۱۱ ماه به طول می‌انجامیدند.

طی دوره (۲۰۰۰-۱۹۸۲) اقتصاد آمریکا یک دوره رونق ۱۲ ساله را تجربه کرد. پس از بحران دات کام در سال ۲۰۰۰ اقتصاد آمریکا یک دوره رونق ۷ ساله را سپری کرد تا اینکه در سال ۲۰۰۷ با بحرانی شدید مواجه شد.

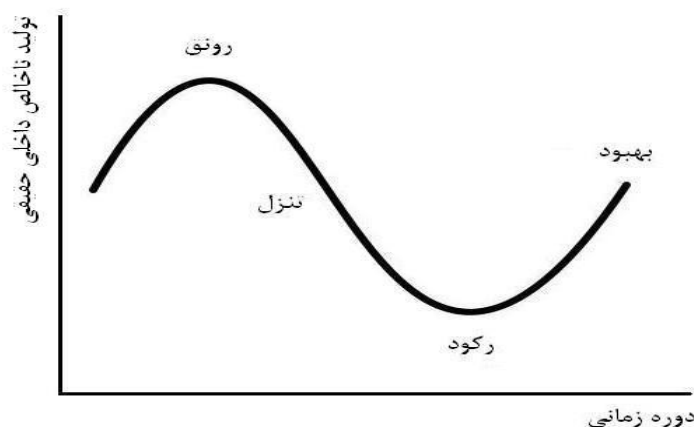
بحران اقتصادی اخیر آمریکا از سال ۲۰۰۷ آغاز شد و از اواسط سال ۲۰۰۸ سایر نقاط جهان را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داد. این بحران از زمان رکود بزرگ در سال ۱۹۲۹ به بعد بی‌سابقه بوده و کاهش شدید ارزش دلار در برابر سایر ارزها به ویژه یورو، افزایش تورم، افزایش نرخ بیکاری،

افت شاخص سهام و کاهش شدید رشد اقتصادی از جمله مهم‌ترین پیامدهای آن هستند. در پی این بحران بسیاری از مؤسسات مالی و شرکت‌های بزرگ ورشکست شدند و بسیاری از افراد شغل خود را از دست دادند. نخستین نشانه‌های کاهش بحران مذکور پس از ۱۲ ماه مشاهده گردید، به‌طوری که برای اولین بار از جولای سال ۲۰۰۸ فروش خانه‌های غیرنوساز در آمریکا در فوریه سال ۲۰۰۹ نسبت به ماه قبل از آن با ۵/۱ درصد رشد مواجه گردید. همچنین در مارس ۲۰۰۹ ارزش سهام طی ۲ هفته ۲۱ درصد افزایش یافت و شاخص داو جونز در هفته اول آوریل ۲۰۰۹ برای اولین بار نسبت به دو ماه ماقبل از ۸۰۰۰ واحد فراتر رفت (معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۷).

ریشه‌های بحران‌های اقتصادی در نظام سرمایه‌داری و چالش‌های آن

اقتصادهای مبتنی بر بازار از جنگ جهانی دوم به بعد بیش از ۱۰۰ بحران را تجربه کرده‌اند و این به دلیل ماهیت نظام سرمایه‌داری است (معاونت پژوهشی دانشکده معارف و اقتصاد دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر، بی‌ثباتی ذات نظام سرمایه‌داری است. هر دور تولید سرمایه‌داری از چهار فاز یا مرحله می‌گذرد که عبارتند از:

- بحران یا تنزل
- رکود اقتصادی یا کساد
- آغاز رونق نوین
- رونق



نمودار فرایند سیکل‌های تجاری

به‌طور کلی سیکل‌های تجاری زمانی در اقتصاد پدیدار می‌شوند که سطح تعادل اقتصادی به بالاتر یا پایین‌تر از اشتغال کامل برسد. رونق‌های تورمی می‌توانند به واسطه افزایش شدید مخارج عمومی یا خصوصی ایجاد شوند، زیرا با افزایش تقاضا موجی از خوش‌بینی مصرف‌کنندگان را به افزایش مصرف سوق می‌دهد و بنابراین شرکت‌ها و کارخانه‌های جدید ایجاد می‌شوند تا پاسخگوی افزایش تقاضا باشند و این امر سبب خواهد شد که اقتصاد با سرعتی بیش از حد طبیعی و نرمال خود فعالیت کرده و رونق یابد. در مقابل، رکود یا کساد می‌تواند به واسطه عملکرد وارونه همین نیروها ایجاد شود.

یکی دیگر از دلایل احتمالی ایجاد رونق و رکود، سیاست‌های پولی است. سیستم فدرال رزرو به شدت براندازه و رشد موجودی پول تأثیر گذاشته و می‌تواند سطح نرخ‌های بهره در اقتصاد را تحت تأثیر خود قرار دهد. از آنجایی که نرخ‌های بهره عامل مهمی هستند و مخارج شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان را تعیین می‌کنند در نتیجه شرکتی که با نرخ‌های بهره بالا مواجه شود تصمیم می‌گیرد به دلیل هزینه بالای استقراض پول، طرح‌های توسعه خود را متوقف کند. بنابراین، فدرال رزرو می‌تواند با کاهش یا افزایش نرخ بهره سبب ایجاد رونق یا رکود شود (رومر، ۱۳۸۷).

برخلاف آنچه ذکر شد مکتب کلاسیک جدید بر این اعتقاد است که اقتصادهای صنعتی مدرن کاملاً انعطاف‌پذیر هستند. در نتیجه هر تغییری در مخارج لزوماً بر تولید واقعی و اشتغال تأثیر نخواهد گذاشت. به‌عنوان مثال، در دیدگاه کلاسیک جدید تغییر در موجودی پول تنها سبب تغییر قیمت‌ها خواهد شد و هیچ اثری بر نرخ‌های بهره واقعی نخواهد داشت و لذا تمایل افراد به سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار نخواهد داد. در این چارچوب متفاوت، سیکل‌های تجاری عمدتاً نتیجه اخلال در بهره‌وری و تغییر سلیقه‌ها هستند و نه تغییر در تقاضای کل (رومر، ۱۳۸۷).

شواهد تجربی قاطعانه از این دیدگاه حمایت می‌کنند که انحراف از اشتغال کامل غالباً نتیجه واردآمدن شوک‌های مخارج هستند. به‌ویژه به نظر می‌رسد که سیاست‌های پولی نقش مهمی در ایجاد سیکل‌های تجاری در ایالات متحده از جنگ جهانی دوم به این سو داشته است. به‌عنوان مثال، رکودهای شدید اوایل دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ مستقیماً ناشی از تصمیمات فدرال رزرو در جهت افزایش نرخ‌های بهره بودند. در سمت انبساطی نیز رونق‌های تورمی اواسط دهه ۱۹۶۰ و اواخر دهه ۱۹۷۰ حداقل تا حدودی به خاطر سیاست‌های پولی انبساطی و نرخ‌های بهره پایین به وجود آمدند.

اگر دوره قبل از جنگ جهانی دوم را در نظر بگیریم نقش پول در ایجاد سیکل‌های تجاری حتی از این هم شدیدتر بوده است. بسیاری از رکودهای بسیار وحشتناک قبل از جنگ جهانی دوم از جمله رکودهای ۱۹۰۸، ۱۹۲۱ و رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ عمدتاً در نتیجه انقباض پولی و نرخ‌های بهره واقعی بالا به وجود آمدند. در عین حال، اغلب نوسان‌های پولی این دوره نه از سیاست‌های عامدانه پولی بلکه از هراس‌های مالی^۱، اشتباهات سیاستی و توسعه‌های بین‌المللی پولی ناشی شدند (رومر، ۱۳۸۷).

بر اساس اطلاعات اداره ملی تحقیقات اقتصادی آمریکا طی سال‌های (۲۰۰۱-۱۸۵۴) حدود ۳۲ سیکل تجاری در اقتصاد آمریکا پدیدار شده است. بنابراین، نوسان‌های ادوار تجاری یکی از خصیصه‌های اقتصاد سرمایه‌داری است و انتظار می‌رود در حدود ۸ تا ۱۱ سال یک سیکل تجاری در اقتصادهای سرمایه‌داری ایجاد شود.

نکته جالب توجه در بررسی ادوار تجاری این است که مدت زمان حرکت از رونق به رکود به مرور کاهش یافته و در مقابل دوران حرکت از رکود به رونق افزایش یافته است. همچنین آمار نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر فاصله بین دو رکود و دو رونق متوالی تقریباً مشابه است.

جایگاه اقتصاد آمریکا در نظام سرمایه‌داری و نقش آن در ایجاد بحران‌های اقتصادی از طریق دلار

آمریکا یکی از قویترین اقتصادهای جهان به شمار می‌رود. آمریکا به لحاظ تولید نفت خام مقام سوم را پس از عربستان سعودی و روسیه و به لحاظ تولید گاز مقام دوم را بعد از روسیه در اختیار دارد.

بالاترین حجم تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان به کشور آمریکا اختصاص دارد. حجم تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۰، ۱۴۶۲۴ میلیارد دلار بوده که اندکی کمتر از $\frac{۱}{۴}$ حجم تولید ناخالص داخلی جهان (۲۴ درصد) را به خود اختصاص می‌دهد.^۲

حجم صادرات آمریکا در سال ۲۰۰۹، ۱۰۵۶ میلیارد دلار بوده که ۸/۵ درصد از کل صادرات کل را شامل می‌شود. آمریکا از این نظر در سال ۲۰۰۹ پس از کشورهای چین و آلمان سومین صادرکننده بزرگ جهان بوده است. حجم واردات آمریکا در سال ۲۰۰۹، ۱۶۰۵ میلیارد دلار بوده که از این نظر با ۱۲/۷ درصد از کل واردات جهان جایگاه نخست را به خود اختصاص داده است.^۳

1. Financial Panics

2. IMF/Statistics, 2011.

3. World Trade Organization, International Trade Statistics 2010

http://www.wto.org/english/res_e/statis_e/its2010_e/section1_e/i08.xls

در سال ۲۰۱۰ کشورهای کانادا، چین، مکزیک، ژاپن، آلمان، انگلستان، کره جنوبی، فرانسه، تایوان و برزیل به ترتیب ۱۰ شریک اول تجاری آمریکا بوده‌اند و نزدیک به ۶۵ درصد کل تجارت خارجی آمریکا با این کشورها بوده است.^۱

بر اساس آمار آنکتاد در سال ۲۰۰۹ کشور آمریکا با ۱۲۹/۸۸ میلیارد دلار پس از چین دومین کشور در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده و با ۲۴۸/۰۷ میلیارد دلار بیشترین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در سایر کشورها انجام داده است.^۲

با توجه به اطلاعات فوق، مشخص است که سیاست‌های آمریکا سایر اقتصادهای جهان را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. در این راستا، وقوع بحران مالی آمریکا در سال ۲۰۰۸ از زمانی بدتر شد که بسیاری از مؤسسات مالی با تکیه بر وثائقی که از وام‌گیرندگان دریافت کرده بودند اقدام به سرمایه‌گذاری در بازار اوراق بهادار کردند. مشکلی که در پی این اقدام بروز کرد این بود که با سقوط ارزش دارایی‌های مالی و اوراق بهادار این مؤسسات مالی از لحاظ فنی ورشکسته شدند. بانک مرکزی آمریکا برای ممانعت از ورشکستگی حقوقی این مؤسسات اقدام به چاپ پول کرد و آن را در اختیار بانک‌ها قرار داد تا همچنان به مصرف‌کنندگان وام بدهند تا از این طریق از سقوط آزاد اقتصاد آمریکا جلوگیری کند. این بانک به سیاست تزریق پول به شبکه بانکی به‌منظور ارائه وام به مردم با هدف تحریک تقاضا ادامه داد. از آنجایی که آمریکا بخش عمده این دلارها را برای واردات خود استفاده می‌کند، تا حد زیادی از اثر منفی تزریق این پول بی‌پشتوانه بر اقتصاد داخلی کاسته می‌شود، اما اوضاع تغییر کرده بود. دلارهایی که برای واردات کالا از دیگر کشورها به آمریکا مصرف شدند کانون اصلی رشد سریع اقتصادی کشورهای آسیایی به ویژه چین و هند شده بود. به هر حال، از آنجایی که عرضه دلار در خارج از مرزهای ایالات متحده از میزان تقاضای کشورهای آسیایی فراتر رفته این کشورها دلارهای اضافه را به کشورهای غربی به صورت وام و اعتبار بازمی‌گرداندند. این موضوع، بانک‌های آمریکایی را قادر ساخت که نقدینگی مورد نیاز بخش‌های داخلی همچون مسکن، خودرو و دیگر مصارف عمومی کشور را از طریق وام تأمین کنند. به این ترتیب، هر سال سرانه بدهی بانک‌ها و مؤسسات آمریکایی افزایش می‌یافت و متقابلاً هزینه بازپرداخت این بدهی نیز بیشتر می‌شد. این موضوع اکنون به حدی رسیده که آمریکا دیگر نمی‌تواند با استقراض‌های فوری و استفاده از دلارهای سرگردان خارجی مشکل بدهی‌های خود را حل کند. در نتیجه بحران اقتصادی ۲۰۰۸ از آمریکا آغاز و بر مبنای سیاست پولی که آمریکا اتخاذ

1. <http://www.census.gov/foreign-trade/statistics/highlights/top/top1012yr.html>

2. http://www.unctad.org/en/docs/wir2010annex_en.pdf

کرد با تأثیرپذیری اقتصاد جهانی از اقتصاد ایالات متحده آمریکا به سرعت انتشار یافت. در این زمینه نقش دلار آمریکا در فرایند انتشار چنین بحرانی نقش محوری داشته است.

بررسی بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ از منظر سلطه دلار و نتایج آن بر گروه کشورهای مختلف

کشورهایی که آمیختگی بیشتری با اقتصاد آمریکا و به طور کلی اقتصاد جهانی دارند از آثار منفی بحران اقتصادی آمریکا تأثیر بیشتری پذیرفته‌اند، بنابراین ترتیب تأثیرپذیری کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه متفاوت بوده است.

پنج کشور کانادا (۱۹/۵ درصد)، مکزیک (۱۲/۸ درصد)، چین (۷/۲ درصد)، ژاپن (۴/۷ درصد) و انگلستان (۳/۸ درصد) در سال ۲۰۱۰ بزرگترین واردکنندگان کالاهای آمریکا بوده‌اند و نزدیک به نیمی از کل صادرات آمریکا (۴۸ درصد) به این کشورها انجام شده است. در مقابل، کشورهای چین (۱۹/۱ درصد)، کانادا (۱۴/۵ درصد)، مکزیک (۱۲ درصد)، ژاپن (۶/۳ درصد) و آلمان (۴/۳ درصد) پنج کشور اول صادرکننده کالا به آمریکا بوده‌اند و ۵۶/۲ کل واردات آمریکا از این پنج کشور انجام شده و سهم هر یک از سایر کشورهای جهان از واردات آمریکا کمتر از ۳ درصد بوده است.^۱

کشورهای آسیایی وابستگی زیادی به اقتصاد آمریکا دارند به طوری که در سال ۲۰۱۰ هفت کشور آسیایی چین، ژاپن، کره جنوبی، تایوان، هند، سنگاپور و عربستان سعودی بین ۱۵ کشور اول شرکای تجاری آمریکا قرار داشته و ۲۸/۹ درصد از تجارت آمریکا با این کشورها بوده است. بنابراین، تعجبی ندارد که برخی از این کشورها از جمله سنگاپور و کره جنوبی در صف اول آسیب‌دیدگان ناشی از رکود اقتصادی آمریکا در سال ۲۰۰۸ قرار گرفتند. بدیهی است در بستر انتشار بحران صف‌های بعدی آسیب‌پذیران شامل کشورهایی است که دلار را به عنوان مبنای تسویه مبادلات تجاری خود پذیرفته و آن را در اختیار دارند، خواه حجم تجاری آنها با آمریکا بالا باشد یا نباشد.

1 . <http://www.census.gov/foreign-trade/statistics/highlights/top/top1012yr.html>

جدول ۱. نرخ رشد جهان، کشورهای گروه ۲۰ و کشورهای منتخب

(درصد)

۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	
-۰/۶	۲/۸	۵/۳	۵/۲	۴/۶	۴/۹	۳/۶	۲/۹	۲/۳	۴/۸	جهان
-۴/۱	۰/۵	۲/۹	۳	۱/۷	۲/۲	۰/۸	۰/۹	۱/۹	۳/۹	منطقه یورو
۰/۹	۶/۸	۸/۷	۸/۵	۹/۲	۹	۸/۸	-۱۰/۹	-۴/۴	-۰/۸	آرژانتین
۱/۲	۲/۲	۴/۸	۲/۶	۳/۲	۳/۶	۳/۲	۳/۹	۲/۶	۳/۳	استرالیا
-۰/۲	۵/۱	۶/۱	۴	۳/۲	۵/۷	۱/۱	۲/۷	۱/۳	۴/۳	برزیل
۹/۱	۹/۶	۱۴/۲	۱۲/۷	۱۱/۳	۱۰/۱	۱۰/۱	۹/۱	۸/۳	۸/۴	چین
-۲/۵	۰/۱	۲/۳	۲/۴	۲	۲/۳	۱/۱	۱/۱	۱/۸	۴/۱	فرانسه
-۴/۷	۱	۲/۷	۳/۴	۰/۸	۱/۲	-۰/۲	۰	۱/۲	۳/۲	آلمان
۵/۷	۶/۴	۹/۹	۹/۷	۹/۲	۸/۱	۶/۹	۴/۶	۳/۹	۴/۴	هند
۱/۱	۱	۷/۸	۵/۸	۴/۷	۵/۱	۷/۲	۷/۵	۳/۷	۵/۱	ایران
-۵	-۱/۳	۱/۵	۲	۰/۷	۱/۵	۰	۰/۵	۱/۸	۳/۷	ایتالیا
-۵/۲	-۱/۲	۲/۴	۲	۱/۹	۲/۷	۱/۴	۳	۰/۲	۲/۹	ژاپن
-۱/۷	۴/۷	۶/۵	۵/۸	۵/۳	۶/۸	۵/۸	۵/۴	۰/۵	۸/۷	مالزی
-۶/۵	۱/۵	۳/۳	۴/۹	۳/۲	۴	۱/۷	۰/۸	-۰/۲	۶/۶	مکزیک
-۷/۹	۵/۲	۸/۵	۸/۲	۶/۴	۷/۲	۷/۳	۴/۷	۵/۱	۱۰	روسیه
۰/۶	۴/۲	۲	۳/۲	۵/۶	۵/۳	۷/۷	۰/۱	۰/۵	۴/۹	عربستان سعودی
-۱/۸	۳/۷	۵/۵	۵/۶	۵/۳	۴/۶	۲/۹	۳/۷	۲/۷	۴/۲	آفریقای جنوبی
-۴/۷	۰/۷	۴/۷	۶/۹	۸/۴	۹/۴	۵/۳	۶/۲	-۵/۷	۶/۸	ترکیه
-۴/۹	-۰/۱	۲/۷	۲/۸	۲/۲	۳	۲/۸	۲/۱	۲/۵	۳/۹	انگلستان
-۲/۶	۰	۱/۹	۲/۷	۳/۱	۳/۶	۲/۵	۱/۸	۱/۱	۴/۱	آمریکا

Source: IMF/Statistics, 2011.

به عبارت دیگر، وابستگی یا عدم وابستگی به دلار آمریکا عامل دیگری است که در کنار میزان آمیختگی با اقتصاد جهانی میزان و نوع آسیب‌پذیری از بحران اقتصادی آمریکا را تعیین می‌کند. کشورهایی که عمده مبادلات خود را با دلار آمریکا انجام می‌دهند به یک گونه و کشورهایی که عمده مبادلات خود را با یورو یا ارزهای دیگر انجام می‌دهند به گونه‌ای دیگر از بحران اقتصادی آمریکا متأثر شدند. افت ارزش دلار که یکی از ابعاد بحران اقتصادی آمریکا است دو اثر مختلف در جهان برجای می‌گذارد (معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۷). نگاهی به آمار و ارقام حاکی از آن است افت ارزش دلار در کشورهای گروه اول که عمده مبادلات خود را با دلار آمریکا انجام می‌دهند عمدتاً کاهش شدید رشد اقتصادی و در کشورهای

گروه دوم که عمده مبادلات خود را با یورو یا ارزهای دیگر انجام می‌دهند، افزایش شدید تورم را در پی خواهد داشت.^۱

جدول ۲. نرخ تورم جهان، کشورهای گروه ۲۰ و کشورهای منتخب

(درصد)

۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	
۳/۷۴	۲/۴۶	۵/۹۹	۴/۰۲	۳/۷۰	۳/۷۷	۳/۵۸	۳/۷۱	۳/۵۳	۴/۲۶	۴/۵۵	جهان
۱/۶۲	۰/۲۹	۳/۲۸	۲/۱۴	۲/۲۰	۲/۱۹	۲/۱۸	۲/۱۱	۲/۲۶	۲/۴۲	۲/۱۹	منطقه یورو
۱۰/۶	۶/۳	۸/۶	۸/۸	۱۰/۹	۹/۶	۴/۴	۱۳/۴	۲۵/۹	-۱/۱	-۰/۹	آرژانتین
۳	۱/۸	۴/۴	۲/۳	۳/۵	۲/۷	۲/۳	۲/۸	۳	۴/۴	۴/۵	استرالیا
۵	۴/۹	۵/۷	۳/۶	۴/۲	۶/۹	۶/۶	۱۴/۸	۸/۴	۶/۸	۷/۱	برزیل
۳/۵	-۰/۷	۵/۹	۴/۸	۱/۵	۱/۸	۳/۹	۱/۲	-۰/۸	۰/۷	۰/۴	چین
۱/۶	۰/۱	۳/۲	۱/۶	۱/۹	۱/۹	۲/۳	۲/۲	۱/۹	۱/۸	۱/۸	فرانسه
۱/۳	۰/۲	۲/۸	۲/۳	۱/۸	۱/۹	۱/۸	۱	۱/۴	۱/۹	۱/۴	آلمان
۱۳/۲	۱۰/۹	۸/۳	۶/۴	۶/۲	۴/۲	۳/۸	۳/۸	۴/۳	۳/۸	۴	هند
۵/۱	۴/۸	۹/۸	۶	۱۳/۱	۱۰/۵	۶/۱	۶/۸	۱۱/۸	۱۱/۵	۳/۸	اندونزی
۵/۹	۱۰/۸	۲۵/۴	۱۸/۴	۱۱/۹	۱۰/۴	۱۵/۳	۱۵/۶	۱۵/۷	۱۱/۳	۱۲/۸	ایران
۱/۶	۰/۸	۳/۵	۲	۲/۲	۲/۲	۲/۳	۲/۸	۲/۶	۲/۳	۲/۶	ایتالیا
-۱	-۱/۴	۱/۴	۰	۰/۳	-۰/۳	۰	-۰/۳	-۰/۹	-۰/۷	-۰/۸	ژاپن
۳/۱	۲/۸	۴/۷	۲/۵	۲/۲	۲/۸	۳/۶	۳/۵	۲/۸	۴/۱	۲/۳	کره جنوبی
۲/۲	۰/۶	۵/۴	۲	۳/۶	۳	۱/۴	۱/۱	۱/۸	۱/۴	۱/۶	مالزی
۴/۲	۵/۳	۵/۱	۴	۳/۶	۴	۴/۷	۴/۵	۵	۶/۴	۹/۵	مکزیک
۶/۶	۱۱/۷	۱۴/۱	۹	۹/۷	۱۲/۷	۱۰/۹	۱۳/۷	۱۵/۸	۲۱/۵	۲۰/۸	روسیه
۵/۵	۵/۱	۹/۹	۴/۱	۲/۳	۰/۶	۰/۴	۰/۶	۰/۲	-۱/۱	-۱/۱	عربستان سعودی
۵/۶	۷/۱	۱۱/۵	۷/۱	۴/۷	۳/۴	۱/۴	۵/۸	۹/۲	۵/۷	۵/۴	آفریقای جنوبی
۸/۷	۶/۳	۱۰/۴	۸/۸	۹/۶	۸/۲	۸/۶	۲۵/۳	۴۵/۱	۵۴/۲	۵۵	ترکیه
۳/۱	۲/۱	۳/۶	۲/۳	۲/۳	۲	۳/۱	۱/۴	۱/۳	۱/۲	۰/۹	انگلستان
۱/۴	-۰/۳	۳/۸	۲/۹	۳/۲	۳/۴	۲/۷	۲/۳	۱/۶	۲/۸	۳/۴	آمریکا

Source: IMF/Statistics, 2011.

بر اساس گزارش آوریل سال ۲۰۰۸ و بحبوحه بحران مؤسسه یورو استات اعلام شد که نرخ تورم اتحادیه اروپا از ژوئن سال ۲۰۰۷ به طور مداوم روند افزایش داشته و از ۲/۱ درصد به ۲/۷ درصد رسیده است. در حالی که طبق پیمان ماستریخت نباید این رقم از دو درصد بیشتر می‌شد. افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی تأثیر بسیاری در افزایش تورم اروپا داشت. در آوریل سال ۲۰۰۸

1. http://epp.eurostat.ec.europa.eu/portal/page?_pageid=2173,45564497&_dad=portal&_schema=PORTAL

کشور لتونی با ۱۲/۳ درصد بیشترین تورم و نروژ با ۱/۲ درصد کمترین تورم را بین ۲۷ کشور اروپایی داشتند.

بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول نیز نسبت به افزایش فشارهای تورمی در اروپا هشدار دادند و هنوز هم بیم افزایش تورم وجود دارد. بر اساس آمارهای صندوق بین‌المللی پول، در سال ۲۰۰۹ با توجه به کاهش شدید رشد اقتصادی بسیاری از کشورها نسبت به سال ۲۰۰۸ نرخ تورم نیز کاهش یافت اما در سال ۲۰۱۰ مجدداً روبه افزایش گذاشت. با توجه به آمار می‌توان ادعا کرد که تأثیر بحران اقتصادی آمریکا بر نرخ تورم در منطقه یورو بسیار بیشتر از تأثیر بر نرخ رشد اقتصادی در این منطقه است.

به نظر می‌رسد که ارقام فوق بیانگر این هستند که کشورهایی که مبادلات خود را بیشتر با دلار انجام می‌دهند نسبت به سایر کشورها با تورم کمتری مواجه هستند. از سوی دیگر، این دسته کشورها از رشد اقتصادی کمتری نیز برخوردارند و مشکل رکود اقتصادی حادث‌تر از مشکل تورم در این کشورها خواهد بود.

سیاست‌های پولی آمریکا نیز با توجه به اینکه دلار یک ارز بین‌المللی می‌باشد بازارهای پولی و مالی جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خرید و فروش دلار توسط فدرال رزرو موجب تغییر نرخ برابری دلار در مقابل سایر ارزها و در نتیجه تغییر رابطه مبادله خواهد شد. با توجه به سهم بالای آمریکا از تجارت جهانی، تغییرات اندک در ارزش صادرات یا ارزش واردات این کشور رقم قابل توجهی خواهد بود که تجارت بین‌الملل را تحت تأثیر قرار خواهد داد. همچنین، سیاست‌های خزانه‌داری آمریکا برای تغییر نرخ بهره از طریق کاهش ارزش دلار موجب افزایش صادرات آمریکا در مقابل واردات آن کشور خواهد شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد که پس از بحران ۲۰۰۸ دلار قادر نیست به عنوان ارز اصلی ذخیره ایفای نقش نماید. اقداماتی که آمریکا برای غلبه بر بحران انجام داده از قبیل بسته‌های محرک اقتصادی، کمک‌های مالی، پایین نگهداشتن نرخ بهره در شرایط رشد اقتصادی پایین، بیکاری بالا و کاهش مالیات‌ها بیم آن را به وجود آورده که اقتصاد این کشور در بلندمدت دچار تورم ساختاری و یا ابرتورم شود. در پی این اقدامات دلار آمریکا با کاهش مداوم مواجه شده که موجب بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران نسبت به آینده دلار شده است. جایگزینی یورو به جای دلار در سبد ارزی کشورها

روند بر هم افزای کاهش ارزش دلار را تشدید کرده و جهان را در مقابل یک تحول بزرگ در نظام مالی بین‌المللی قرار داده است. بی‌اعتباری دلار همچنین موجب شده که طلا، نفت، گندم و فلزات مختلف جایگزین اوراق مالی در سبد پورتفوی بازیگران بین‌المللی شود و از همین جهت قیمت این دسته کالاها روندی تصاعدی را طی کند.

منابع

- رومر، کریستینا (۱۳۸۷)، *دایره‌المعارف اقتصاد سیکل‌های تجاری*، ترجمه محمد صادق الحسینی و محسن رنجبر، بخش اول، *روزنامه دنیای اقتصاد*، اسفند.
- معاونت پژوهشی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) با همکاری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۸)، *بحران مالی سال ۲۰۰۸: ریشه‌ها، پیامدها و راهکارها*، بهار، صص ۳۷۱-۳۵۷.
- معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی (۱۳۸۷)، *نگاهی به بحران‌های سیستم مالی و اقتصادی بین‌المللی*.
- معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی (۱۳۸۷)، *مقایسه اجمالی بحران اقتصادی ۱۹۲۹ و بحران مالی کنونی جهان*.
- معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی (۱۳۸۷)، *بحران اقتصادی آمریکا و تبعات جهانی آن*.
- معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی (۱۳۸۹)، *چگونگی آغاز و انتشار بحران اقتصادی آمریکا، اقدامات کشورها جهت غلبه بر بحران و چشم‌انداز اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۰*.

<http://www.buzzle.com/articles/effects-of-the-great-depression.html>.

World Trade Organization, International Trade Statistics 2010, http://www.wto.org/english/res_e/statis_e/its2010_e/section1_e/i08.xls.

<http://www.census.gov/foreign-trade/statistics/highlights/top/top1012yr.html>.

http://www.unctad.org/en/docs/wir2010annex_en.pdf.

<http://www.census.gov/foreign-trade/statistics/highlights/top/top1012yr.html>.

http://epp.eurostat.ec.europa.eu/portal/page?_pageid=2173,45564497&_dad=portal&_schema=PORTAL.